

بررسی تطبیقی استعاره‌های مفهومی حوزه خشم در رمان‌های «شوهر آهو خانم» و «هرگز رهایم مکن»

ساناز تقی پوری حاجبی*

تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۱۵

کامران پاشایی فخری**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۷/۲۳

پروانه عادلزاده***

چکیده

استعاره مفهومی مهم‌ترین دستاورد زبان‌شناسی نوین است که در آن مفاهیم انتزاعی و مجرد به طور عینی و تجربی مفهوم‌سازی می‌شوند. نظریه استعاره مفهومی اولین بار توسط لیکاف و جانسون در کتابی به نام «استعاره‌هایی که باور داریم» مطرح شد. بر اساس این نظریه، استعاره مفهومی امری تصویری و ذهنی است که در زبان به صورت استعاری تجلی می‌یابد. بیش‌تر مطالعه‌ها در مورد استعاره مفهومی منحصر به گفتار و نوشتار است در صورتی که استعاره‌های عواطف می‌تواند به گسترش الگوی استعاره مفهومی کمک کند. پژوهش حاضر به بررسی استعاره‌های مفهومی حوزه خشم در رمان «شوهر آهو خانم»/افغانی و رمان «هرگز رهایم مکن»/ایشی گورو (برنده جایزه نوبل ادبی ۲۰۱۷) می‌پردازد. داده‌های این تحقیق از عبارات و اصطلاحات مربوط به خشم در این دو رمان استخراج گردیدند. در این جستار بر آن‌ایم تا با بررسی قسمت‌هایی که در آن‌ها مفهوم خشم در قالب استعاره مفهومی مطرح است، پر بسامدترین نگاهت‌های استعاری و حوزه‌های مبدأ را تبیین کنیم.

کلیدواژگان: استعاره مفهومی، عواطف، استعاره خشم، افغانی، ایشی گورو.

* دانشجوی دوره دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران.

Sanaz.taghipour56@gmail.com

Pashaiekamran@yahoo.com

** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران.

*** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران.

Adelzadehparvaneh@yahoo.com

نویسنده مسئول: کامران پاشایی

مقدمه

استعاره مفهومی با انتشار کتاب «استعاره‌هایی که باور داریم» نوشته لیکاف و جانسون به طور جدی مطرح گردید. این نظریه نه تنها تحولی چشمگیر در متن‌شناسی شناختی پدید آورد، بلکه مفهوم سنتی استعاره در ادبیات فارسی را نیز متحول گردانید. لیکاف و جانسون استعاره را صرفاً به عنوان آرایه ادبی معرفی نکردند بلکه آن را به مثابه ابزار تفکر و جهان بینی مطرح کردند که دارای سه نوع استعاره مفهومی ساختاری، هستی‌شناختی و جهتی هستند و اجزای استعاره مفهومی حوزه مبدأ، حوزه مقصد یا هدف و یک نگاشت می‌باشند.

مدتی بعد از شکوفایی پژوهش‌های زبان‌شناختی درباره استعاره مفهومی، مطالعه درباره ساخت استعاره‌ها در حوزه عاطفی مانند خشم، شادی، ترس، عشق، شرم نزد زبان‌شناسان مورد توجه قرار گرفت که از میان احساسات، خشم بیش‌ترین میزان توجه را به خود اختصاص داده است و در این میان آثار یو و کوچش قابل ذکر است. نکته حائز اهمیت در رابطه عواطف و زبان این است که ارتباطات بشر پیوسته از افکار و احساسات او تأثیر می‌پذیرند و شناخت و عواطف بر تعاملات اجتماعی اثرگذار است. عواطف مبنای ارتباط است و از آنجا که ویژگی بارز فرهنگی و قوم‌شناختی است، در پژوهش‌های بین‌زبانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

بر اساس آنچه گفته شد، پژوهش حاضر به استعاره‌های مفهومی در حوزه خشم، با استناد به شواهدی از رمان «شوهر آهو خانم» اثر علی محمد افغانی و نیز رمان «هرگز رهایم مکن» ایشی‌گورو می‌پردازد. پرسش اصلی در مقاله حاضر این است که پرسامدترین حوزه‌های مبدأ مورد استفاده در مفهوم سازی خشم در این رمان کدام‌اند؟

پیشینه مطالعات درباره استعاره مفهومی

مطالعه استعاره خشم در زبان‌های مختلف پیشینه نسبتاً مفصلاً دارد که در ادامه به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. لیکاف و کوچش (۱۹۸۷) در مطالعه‌ای در زمینه خشم، اصطلاح‌هایی که برای بیان این حس در زبان انگلیسی آمریکایی به کار می‌رود را بررسی می‌کنند.

۲. یو (۱۹۹۵) عبارتهای استعاری خشم و شادی را در دو زبان انگلیسی و چینی مقایسه کرده است. او معتقد است که انگلیسی و چینی دارای استعاره‌های مفهومی مشترکی هستند که این استعاره در هر دو زبان زیرمجموعه‌هایی دارد. زبان انگلیسی استعاره‌های آتش و مایع را انتخاب کرده و زبان چینی استعاره‌های آتش و گاز را برای همان منظور برگزیده است.

۳. صراحی و عموزاده (۱۳۹۲) به مقایسه استعاره‌های مربوط به احساس خشم در زبان فارسی و انگلیسی بر اساس الگوی شناختی- زبانی لیکاف و کوچش پرداخته‌اند.

۴. ملکیان و ساسانی (۱۳۹۳) به بررسی مفهوم سازی شناختی در زبان فارسی پرداخته‌اند.

۵. پیرزاد، پاژخ و حیاتی (۲۰۱۲) به بررسی مقایسه‌ای استعاره‌های مفهومی عواطف بنیادین در متون ادبی انگلیسی پرداخته‌اند. از سایر مطالعات گسترده در باب استعاره‌های حوزه خشم در زبان‌های مختلف مانند چینی (کینگ، ۱۹۸۹)، ژاپنی (متسوک، ۱۹۹۵)، لهستانی (میکلایچک، ۱۹۹۸) نیز می‌توان اشاره کرد.

مبانی نظری

۱. استعاره مفهومی

از زمان پیدایش زبان‌شناسی شناختی در دهه ۷۰ میلادی، استعاره همواره به عنوان موضوع کانونی این حوزه مطرح بوده است. چراکه به طور واضح به بیان رابطه بین ذهن و زبان می‌پردازد. نقطه آغازین نگاهی جدید به استعاره در حوزه زبان‌شناسی شناختی را می‌توان رویکردی دانست که لیکاف و جانسون در کتاب «استعاره‌هایی که باور داریم» (۱۹۸۰) مطرح کردند و پس از آن توسط زبان‌شناسان دیگر نظیر سویتیسر (۱۹۹۰)، ترنر (۱۹۹۱)، و کوچش (۲۰۰۲) دنبال شد.

این رویکرد جدید در تقابل با نگاه سنتی به استعاره قرار داشت که آن را به عنوان ابزاری آرایه‌ای در نظر می‌گرفت. در رویکرد جدید استعاره با ویژگی‌های عملکرد ذهن در نظر گرفته می‌شود که به منظور درک مفهومی انتزاعی از طریق مفهومی تجربه پذیر صورت می‌پذیرد (گرادی، ۲۰۰۷: ۱۸۹). استعاره‌های مفهومی در سطح ذهن مورد بررسی قرار

می‌گیرند و همگی آن‌ها باز نمود زبانی نمی‌یابند؛ بلکه در فرهنگ، هنر، آداب و نمادها نیز تجلی می‌یابند (کوچش، ۲۰۱۰: ۶۳). هر استعاره مفهومی دارای یک حوزه مبدأ، یک حوزه مقصد و یک نگاشت مبدأ بر مقصد است (لیکاف، ۱۹۸۷: ۲۰۶). به بیان دیگر، ساختار درونی استعاره‌های مفهومی به این صورت است که همواره دو حوزه در آن‌ها ایفای نقش می‌کنند که یک حوزه مفاهیم را ارائه می‌کند که به آن حوزه مبدأ گویند و حوزه دیگر مفاهیم ارائه شده را دریافت می‌کند که آن را حوزه مقصد می‌نامند (افراشی، حسامی و سالاس، ۱۳۹۱: ۶).

حوزه مبدأ معمولاً عینی‌تر و ملموس‌تر از حوزه مقصد است که نسبت به حوزه مبدأ ذهنی‌تر و انتزاعی‌تر است. عبارتی که بیان‌گر یک استعاره مفهومی است نگاشت نام دارد. این اصطلاح از حوزه ریاضی به عاریت گرفته شده است و به انطباق استعاری بین مفاهیم مرتبط اشاره دارد (گرادی، ۲۰۰۷: ۱۹۰).

۲. مفهوم سازی استعاری در حوزه عواطف

بررسی علمی عواطف نخستین بار توسط چارلز داروین (۱۸۷۲)، زیست‌شناس انگلیسی، در باب تکامل عواطف و احساسات آغاز گردید. به عقیده او عواطف، پاسخ‌های سازگاری به شرایط محیطی هستند از این دیدگاه احساس لذت و خشم هر دو واکنش‌های بارز عاطفی هستند که در رفتار تمامی پستانداران نمود دارند (استاینر و دیگران، ۲۰۰۱). تحقیقات بینا فرهنگی که با مقایسه زبان‌ها در حوزه عواطف صورت گرفته، نشان می‌دهد که بنیادی‌ترین مقولات عاطفی شادی، غم، خشم، ترس و عشق هستند (کوچش، ۲۰۰۰: ۲۰). کوچش بر نقش اصلی زبان در پرده برداشتن از تصورات و باورهای مردم یعنی دانش مشترک آن‌ها از تجارب بشری و به ویژه تجارب عاطفی تأکید دارد. به عقیده او زبان عواطف تصویری غنی و پیچیده را از آنچه هنگام تجربه یک حالت عاطفی روی می‌دهد می‌نمایاند. وی بر این باور است که زبان سخنگویان در صحبت کردن عادی مملو از استعاره است، همچنین عقیده دارد که تنها از طریق استعاره است که زبان عواطف قادر به تجسم و توصیف تجربه‌های عاطفی گوناگون و ناملموس می‌شود (همان: ۱۹۱).

۳. مفهوم سازی استعاری در حوزه خشم

به عقیده لیکاف و کوچش (۱۹۸۷: ۱۹۵) بیش‌تر افراد احساسات را عاری از محتوای مفهومی در نظر می‌گیرند. در اولین نگاه، عبارت‌های متعارفی که برای بیان خشم استفاده می‌شوند، از چنان تنوع و گوناگونی برخوردارند که یافتن نظامی منسجم و یکپارچه امری غیر ممکن به نظر می‌رسد.

طبق گفته لیکاف و کوچش یکی از دایرة المعارف‌های دانشگاهی حدود سیصد مدخل را نشان می‌دهد که به طور مستقیم یا غیر مستقیم با مفهوم خشم در ارتباط می‌باشند (صراحی و عمو زاده، ۱۳۹۲: ۴۱).

به عقیده لیکاف و کوچش مطالعه این عبارت‌ها نشان می‌دهد که این جملات به طور تصادفی به وجود نیامده‌اند و باید از نوعی ساختار نظام مند و هدفدار پیروی کنند که بیش‌تر ساختار استعاری و مجازی دارند از آنجا که احساس خشم اثرات فیزیولوژیکی تقریباً یکسانی را در میان انسان‌ها به وجود می‌آورد، در نتیجه باید الگوهای کمابیش مشابهی نیز در رابطه با اثرات فیزیولوژیکی خشم وجود داشته باشد که بر اساس آن بتوان فهمید چه زمانی شخص عصبانی است و یا خشم خود را پنهان می‌کند این الگو عبارت است از:

- افزایش گرمای بدن، افزایش فشار درونی (فشار خون یا ماهیچه‌ها)، لرزش و اختلال در درک صحیح
- وقتی خشم افزایش می‌یابد، تأثیرات فیزیولوژیکی آن نیز افزایش می‌یابد.
- اگر میزان خشم از حدی بیش‌تر شود، تأثیرات فیزیولوژیکی آن به کارکرد طبیعی اندام‌های درگیر آسیب می‌رساند (همان: ۴۲)

به عقیده لیکاف و کوچش، تأثیرات فیزیولوژیکی خشم، به خصوص آن قسمت‌هایی که بر گرما تأکید دارند پایه و اساس استعاره «خشم گرما است» را که رایج‌ترین استعاره مربوط به احساس خشم می‌باشد تشکیل می‌دهد. به عقیده آن‌ها گاهی اوقات گرما فقط در مورد جامدات است که در این صورت، استعاره «خشم آتش است» به کار برده می‌شود اما در صورتی که گرما در مورد سیالات به کار برده شود استعاره «خشم گرمای سیال در ظرف است» که بر گرما، فشار درونی و هیجان الگوی فیزیولوژیکی تأکید دارد

(همان: ۴۳). این استعاره ظرف برای خشم که در مطالعات میان فرهنگی توجه زیادی را به خود جلب کرده است که نوع دیگری از استعاره کلی خشم، گرما است، می‌باشد که بسامد بالایی دارد. این استعاره شامل نگاشت‌های زیر است:

ظرف ← بدن

مایع داغ ← خشم

میزان گرما ← میزان شدت (لیکاف و کوچش، ۱۳۹۶: ۴۷)

لیکاف و کوچش (۱۹۸۷: ۱۹۷) معتقدند که دلیل فراوانی این استعاره وجود استعاره «بدن ظرف احساسات است» می‌باشد. در زبان فارسی و انگلیسی استعاره خشم گرما است با استعاره بدن ظرف احساسات است ترکیب شده و استعاره مهم خشم مایعی داغ در یک ظرف است را به وجود آورده است (بررسی مقایسه استعاره‌های خشم در زبان فارسی و انگلیسی، ۱۳۹۲: ۴۵).

همانگونه که یو (۱۹۹۵: ۶۳) اظهار می‌دارد، در هر دو زبان فارسی و انگلیسی خشم به عنوان نیروی مخربی در نظر گرفته می‌شود که نه تنها برای فرد خشمگین بلکه برای اطرافیان نیز می‌تواند خطرناک باشد که این عکس العمل رفتاری در دو زبان فارسی و انگلیسی مشاهده می‌شود (همان: ۴۶).

۴. استعاره‌های مفهومی خشم بر مبنای شواهدی از دو داستان

به منظور درک این استعاره شواهد زیر از داستان «شوهر آهو خانم» و «هرگز رهایم مکن» آورده شده است:

استعاره: خشم مایعی داغ در یک ظرف است

۱. «شوهر آهو خانم»

الف) «هما تو بر سر این بنده خدا چه بلایی آورده‌ای که اینقدر دلش خون است! گویا هنوز دیگ غضبش از جوش نیفتاده است» (افغانی، ۱۳۳۴: ۳۲۶).

ب) «سید میران آن روز زود به خانه آمده بود برای خرید لباس بیرون برود. از بس دلش می‌جوشید، خود را به سردرد زد» (همان: ۳۵۴).

ج) «قلب آهو نزدیک بود بایستد. پس از خشمی که نیم ساعت بیش‌تر شوهرش را در دیگ جوشان فرو کرده و بیرون آورده بود آنچه می‌دید دیوانه کننده بود» (همان: ۳۶۵).
د) «سید میران چنان از خشم و نفرت لبریز بود که حتی سفیدی چشمانش رنگ باخته بود» (همان: ۵۴۰).

ه) «سید میران از خشم خورش می‌جوشید» (همان: ۶۳۴).
و) «سید میران که از نو خشمش به جوش آمده بود انگشت سبابه‌اش را در هوا تکان داد» (همان: ۶۴۱).

ز) «قلبش مانند دیگ بخار چنان می‌تپید که گویی می‌خواست منفجر شود» (همان: ۷۶۵).

ح) «در میان شتابی که دل زن بلا کشیده را به جوش آورده بود درشکه چی نیز راه را عوضی رفت» (همان: ۷۷۰).

۲. «هرگز رهایم مکن»

الف) «قضیه از زمانی شروع شد که کلک‌ها ادامه داشت اما تومی دیگر از کوره در نمی‌رفت گاهی تا آستانه خشم پیش می‌رفت ولی هر طور شده جلوی خودش را می‌گرفت» (ایشی گورو، ۱۳۹۵: ۳۲).

ب) «دوشیزه لوسی معمولاً برزخ نمی‌شد اما وقتی می‌شد بدجور از کوره در می‌رفت» (همان: ۵۷).

ج) «عاقبت از این دو نفر اسم برده و روت را گیر انداخته بودم و او از کوره به در شده بود» (همان: ۱۶۵).

د) «می‌توانستیم فراموش کنیم اصلاً که هستیم، یا فراموش کنیم در آن عصر بارانی، دوشیزه لوسی چگونه در رختکن ناگهان از خشم ترکیده بود» (همان: ۱۸۷).
در این مثال‌ها یک ظرف (متناظر با بدن انسان)، مایعی در داخل ظرف و عنصر گرما به مثابه ویژگی مایع فرض می‌شود این مایع داغ، یا به عبارت دقیق‌تر، گرمای مایع است که متناظر با خشم است (استعاره مقدمه‌ای کاربردی، ۱۳۹۶: ۳۱۴).

استعاره: خشم دیوانگی است

بر اساس نظریه لیکاف و کوچش از تأثیرات فیزیولوژیکی احساس خشم افزایش دمای بدن، وجود هیجان شدید و به دنبال آن لرزش اندام‌هاست. بر اساس این نظریه، هیجان بیش از حد از نشانه‌های فیزیولوژیکی دیوانگی نیز می‌باشد. افراد دیوانه کارهای وحشیانه انجام می‌دهند، دست‌هایشان را بی اختیار تکان می‌دهند، دهانشان کف آلود می‌شود و ...؛ این خصوصیات مشابهی که میان الگوهای فرهنگی تأثیرات فیزیولوژیکی خشم و دیوانگی وجود دارد استعاره خشم دیوانگی است را در زبان‌ها به وجود آورده است (بررسی مقایسه‌ای خشم در فارسی و انگلیسی، ۱۳۹۲: ۴۸).

به دلیل ارتباطی که بین جنون و دیوانگی از یک سو و خشم از سوی دیگر وجود دارد عبارت‌هایی که برای نشان دادن رفتار جنون آمیز به کار برده می‌شوند می‌توانند خشم و عصبانیت را نیز نشان دهند (همان: ۴۹).

۱. «شوهر آهو خانم»

الف) «از وقتی خبر بدنامی هما را داده‌اند از شدت خشم و ناراحتی دیوانه شده است» (افغانی، ۱۳۴۴: ۲۱۵).

ب) «سید میران مثل فواره‌ای به نقطه اوج رسیده بود. رگ‌های گردنش ایستاده و چال گل‌پوش ناهنجار بود و مانند دیوانه‌ها ناگهان چشمش به گردن آهو افتاد» (همان: ۳۰۰).

ج) «خشم دیوانه‌وار مرد مثل آبی که سدش بشکند، خروشید و سرازیر شد چانه‌اش می‌لرزید و به چپ و راست حرکت می‌کرد» (همان: ۵۴۱).

د) «سماور عزیزی که یک هفته از خریدش نمی‌گذشت، فدای خشم شوم سید میران شده بود که با اشک و تأسف آهو آن‌ها را جمع آوری کرد» (همان: ۵۴۲).

۲. «هرگز رهایم مکن»

الف) «تومی شروع کرد به جیغ و داد زدن: توفانی دیوانه وار از فحش و فضحیت» (ایشی گورو، ۱۳۹۵: ۱۷).

ب) «تومی حین بد و بیراه گفتن، دیگر رو به جهت خاصی نداشت فقط عربده می‌کشید، دست و پاهایش را به این سو و آن سو پرتاب می‌کرد» (همان: ۱۸).

ج) «هرچند در آخرین نقشه، برای کفری کردن تومی هیچ نقشی نداشتیم» (همان: ۱۹).

د) «حس کردم روت از خشم دیوانه شده، اما بدون همکاری رودنی نمی‌توانست کاری از پیش ببرد» (همان: ۲۰۸).

ه) «نزدیک مزرعه، پیکر تومی را دیدم، دیوانه خشم، فریاد زنان در حالی که به هوا مشت و لگد می‌پراند» (همان: ۳۵۱).

استعاره: خشم رفتاری حیوانی است

در زبان فارسی از حیوانات سگ، گرگ، گربه و ... برای نشان دادن خشم استفاده می‌شود و اکثراً از خود کلمه سگ و گربه به طور مستقیم برای نشان دادن رفتار حیوانی استفاده می‌شود و با بررسی داده‌های این تحقیق، فراوانی عبارت‌های زبانی که در آن‌ها از سگ استفاده شده بسیار بیش‌تر از سایر زبان‌هاست؛ و این در حالی است که در زبان انگلیسی از عکس‌العمل‌ها و رفتار این حیوان برای نشان دادن خشم استفاده می‌شود (بررسی مقایسه‌ای خشم در فارسی و انگلیسی، ۱۳۹۲: ۵۲).

۱. «شوهر آهو خانم»

الف) «آنجا که پای من به میان می‌آمد، این مرد سگ دیوانه‌ای می‌شد که هیچ کس جرأت نزدیک شدنش را نمی‌کرد» (افغانی، ۱۳۴۴: ۲۹).

ب) «با همه درستی که در صفت مشخصه‌اش بود، این حرکتش را چه می‌شد نام گذارد؟ با این اخلاق سگی که داشت آیا می‌توانست چنان زنی را سعادتمند کند» (همان: ۴۰).

ج) «شوهرم از سگ صفتی که داشت برای اینکه حاکمیت خود را بر من اثبات کند در صندوق خانه محبوسم می‌کرد» (همان: ۱۰۳).

د) «اگر آنچه را که در دل داشتم، به زبان می‌آوردم و او را صراحتاً نومید می‌کردم بی‌گفت‌وگو آن روی سگش بالا می‌آمد» (همان: ۱۰۶).

ه) «از حیوان صفتی و بد طینتی شوهرش می‌گفت که با لگد توی پهلویش زده است» (همان: ۱۷۹).

و) «آهو مثل گربه‌ای که لب ناودان گیرش آورده باشند به سر و چشم حمله می‌برد» (همان: ۲۴۲).

ز) «آهو لب خود را گاز گرفت، بدنش از شدت خشم و احساس شرم می‌لرزید» (همان: ۲۴۳).

ح) «سید میران به آهو گفت: آهو هار شده‌ای! هما گفت: نه هار نشده است، نان هاری به دهان گرفته است» (همان: ۵۴۰).

ط) «مرد با همه افتاده حالی مثل گربه به طرف او خیز برداشت: خفه شو! از جلوی چشمم دور شو!» (همان: ۵۴۳).

ی) «سید میران که نیمی از خون بدنش به سر و صورت دویده بود مثل درندگان جنگل چنان نگاه زهراگین شرر باری به مرد آبله گون افکند که اگر تیر نبود از پل سرنگون می‌شد» (همان: ۶۴۵).

۲. «هرگز رهایم مکن»

الف) «پیراهنش را واری کرد بعد با اخم و تخم گفت: «به هر حال به تو ربطی نداره» وقتی دور شدیم، روت بازوش را روی شانه‌هایم گذاشت و گفت «دست کم یه کاری کردی خفقون بگیره حیوون وحشی‌ایه» (ایشی گورو، ۱۳۹۵: ۲۰).

ب) «یک بار هم آقای کریستوفر مجبور شده بود دستان او را بگیرد تا حین فوتبال به رگی کی حمله نکند» (همان: ۲۳).

ج) «زخم چندان ناجوری نبود گرچه برای معاینه به سراغ عصبی بد عنق صورت خروس فرستادندش» (همان: ۱۱۵).

استعاره: خشم آتش / گرما است

بر اساس لیکاف و کوچش (۱۹۸۷: ۱۹۷) استعاره خشم گرما/ آتش است، استعاره مفهومی مشترک در سطح عام می‌باشد که فقط وجود تفکر زیربنایی مشترکی را در دو

زبان نشان می‌دهد اما نوع اطلاعاتی که در حوزه مبدأ این استعاره در هر کدام از زبان‌ها رمزگذاری شده در بیش‌تر نمونه‌های زبانی با یکدیگر متفاوت است.

۱. «شوهر آهو خانم»

الف) «آهو از کشف این موضوع برق از سرش پرید شقیقه‌هایش از خشم و التهاب دل می‌زد» (افغانی، ۱۳۴۴: ۲۳۰).

ب) «سید میران مثل اینکه شراب قوی خورده باشد رویش برافروخته بود» (همان: ۲۳۴).

ج) «در شبی که گذشت حالش خوب نبود رنگ و رویش پریده و چشم‌هایش خشک بود که به شدت می‌سوخت و عصب‌گونه‌اش می‌پرید» (همان: ۲۶۴).

د) با آن ننگ و سرشکستگی و از همه بدتر غضبی که در درونش زبانه می‌کشید بدون طلاق هما امکان‌پذیر نبود چشمش به چشم مردم دوست و آشنا بیفتد» (همان: ۶۴۶).

۲. «هرگز رهایم مکن»

الف) «تا چند روز بعد هر وقت نگهبان مخفی را در گوشه‌ای یا حین عبور از بازی می‌دیدیم صورتم سرخ و برافروخته می‌شد» (ایشی گورو، ۱۳۹۵: ۷۵).

ب) «ظاهراً در جوابش نیش و کنایه‌ای نبود اما عملاً مثل این بود که بلند شده و مرا زده بود، و تا چند لحظه بعد هم از خشم گر گرفته بود» (همان: ۷۹).

ج) «گاهی خل می‌شد، زیر ریش خاکستری گونه‌هایش از فرط خشم، گله به گله سرخ می‌شد و دوره می‌افتاد. وقتی این حال به او دست می‌داد، واقعاً هراسناک می‌شد» (همان: ۱۷۶).

د) «این بارقه خشم، یادآوری همان روت قدیمی بود و باعث شد به سمتش برگردم» (همان: ۲۹۱).

استعاره: خشم تغییر فیزیولوژیکی است

از حوزه‌های کاربرد است که کلیه تغییرات رنگ چهره، تغییر نوع نگاه کردن، تغییر حالت چهره و ... در این حوزه استعاره مفهومی خشم جای می‌گیرند.

۱. «شوهر آهو خانم»

- الف) «از گوشه‌ای که در جمله اخیر زده بود سید میران خوشش نیامد، دور از نگاه مهمانان به او چشم غره رفت» (افغانی، ۱۳۴۴: ۷۲).
- ب) «حسین خان با عصبانیت تمام در گوشه حیاط به زنش چشم غره رفت و گفت: «نگفتم مگذار تنها بیرون برود»» (همان: ۱۱۱).
- ج) «هما گفت: «زن تو به من اهانت کرد» آهو به او براق شد» (همان: ۵۴۰).
- د) «بهرام زیر چشمی به مادرش براق شده بود» (همان: ۵۷۱).
- و) «آهو فقط به او براق شد تا همین جا که او به یاری بخت توانسته بود مانع فرار آن دو بشود کافی بود» (همان: ۷۷۴).

۲. «هرگز رهایم مکن»

- الف) «نعره و هوار رعدآسای تومی بلند شد، با صورتی سرخ و برافروخته پا کند کرد و با خشم به آن‌ها خیره شد» (ایشی گورو، ۱۳۹۵: ۱۷).
- ب) «هنوز در مورد کم بودن خلاقیت، اسم تومی زبانزد بود به نظرم پایان آن بدعنی‌ها و رفتارهای برزخی کمک بزرگی بود» (همان: ۳۳).
- ج) «روت برزخ شد و نگاهی به اطراف انداخت تا ببیند چه کسانی دور و برش هستند» (همان: ۸۷).
- د) «همه ما به مارج چشم غره رفتیم و از اینکه چنین سؤال گستاخانه‌ای پرسیده بود واقعاً از دستش عصبانی بودیم» (همان: ۹۴).
- ه) «روز بعد تومی را دیدم که دستش را سیخ گرفته و نگران به نظر می‌رسد، همه به او می‌خندیدند و این مرا برزخ می‌کرد» (همان: ۱۱۵).
- و) «روت با خشم به او چشم غره رفت، بعد برگشت و راهی شد» (همان: ۲۲۱).

استعاره: خشم مانع است

۱. «شوهر آهو خانم»

- الف) «شوهرش با تبسمی تلخ که روی لبانش خکشیده بود بی آنکه حرفی بزند عکس را گرفت، کاردش می‌زدند خونش در نمی‌آمد» (افغانی، ۱۳۴۴: ۳۵۶).

ب) «سید میران در تمام مدت ساکت نشسته بود، سیگار می‌کشید، کاردش می‌زدند
خونش در نمی‌آمد» (همان: ۶۵۵).

استعاره: خشم خرابی و ویرانی است

۱. «شوهر آهو خانم»

الف) «با همه طوفانی که در دل داشت، شرمش می‌آمد خشم و ناراحتی خود را به
روی مرد بیاورد» (افغانی، ۱۳۴۴: ۴۴۳).

۲. «هرگز رهایم مکن»

الف) «دقیقاً یادم نیست که آن کج خلقی‌های طوفانی از چه هنگام آغاز شد» (ایشی
گورو، ۱۳۹۵: ۳۱).

ب) «وقتی کاتی، قاطی می‌کند، بهترین راه اینه که تنه‌اش بذاری» (همان: ۲۲۱).

استعاره: خشم ماده خوراکی (بدمزه) است

۱. «شوهر آهو خانم»

الف) «شوهرت دیشب مثل اینکه از جای دیگری اوقاتش تلخ بود، یک کلمه هم با
کسی حرف نزد» (همان: ۲۶۳).

۲. «هرگز رهایم مکن»

الف) «واقعاً از دستش عصبانی بودیم، تا چند روز دیگر هم زندگی را به کام مارچ،
چون زقوم تلخ کردیم» (ایشی گورو، ۱۳۹۵: ۹۴).

علاوه بر استعاره‌هایی که در اینجا مورد مطالعه قرار گرفتند از استعاره‌های دیگری نیز

مانند:

- خشم قدرت مافوق است
- خشم نیروی طبیعی است

- خشم دشمن است

- خشم موجودی ماوراء طبیعی است

- خشم فشار است

وجود دارند که در این داستان کاربردی نداشته‌اند.

همانطور که بحث شد در زبان فارسی مفهوم خشم به وسیله تعداد زیادی از استعاره‌های مفهومی بیان می‌شود که می‌توان آن‌ها را بر اساس کوچش (۲۰۰۸) به سه دسته تقسیم کرد:

۱. **استعاره‌های احساسی عمومی:** این استعاره‌ها منحصر به احساس خشم نیستند و عمومیت دارند، و در مورد احساسات دیگری نیز مثل شادی و عشق و ترس هم کاربرد دارند این استعاره‌های احساسی عبارت‌اند از:

الف. خشم گرم است.

ب. خشم مایعی داغ در ظرف است.

ج. خشم آتش است.

د. خشم دیوانگی است.

هـ. خشم دشمن است.

و. خشم حیوان است.

ز. خشم مافوق است.

ح. خشم نیروی طبیعی است.

ط. خشم ویرانی است.

ی. خشم تغییر فیزیولوژیکی است.

۲. استعاره‌هایی که روی هر دو بخش (علت احساس و واکنش حاصل از بروز احساس) تمرکز دارند و به عنوان پدیده‌ای ناپسند در نظر گرفته می‌شوند که هم برای شخص خشمگین و هم برای اطرافیان خطرناک است:

الف. خشم جنون است.

ب. خشم بار است.

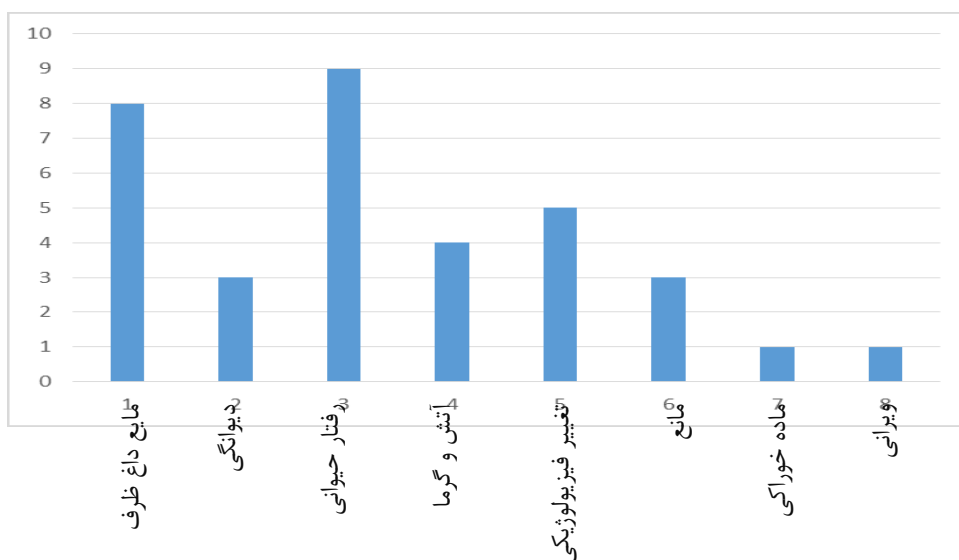
۳. استعاره‌هایی که بیش‌تر بر علت احساس تمرکز دارند:

الف. خشم موجودی ماوراء طبیعی است

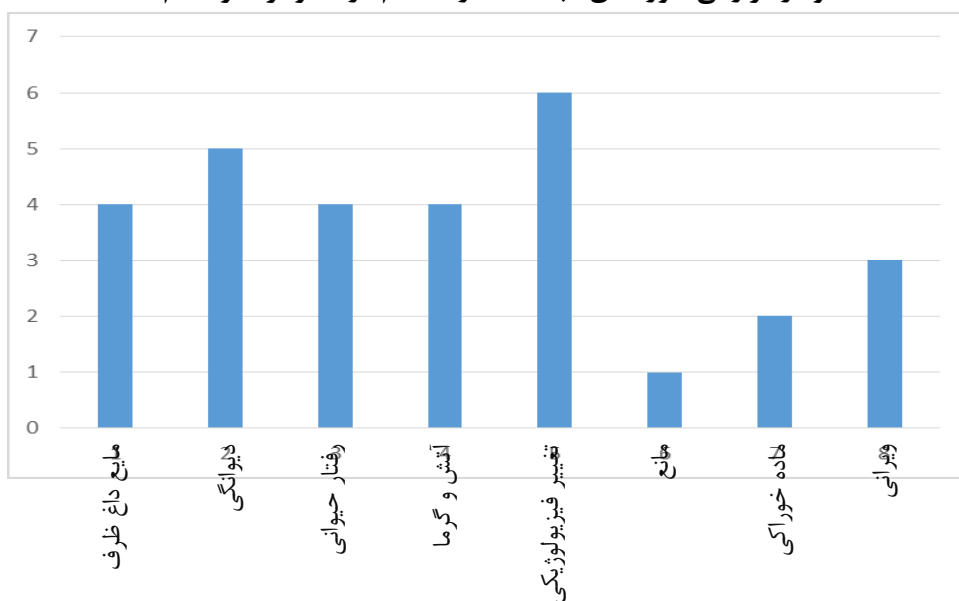
ب. خشم ماده مخدر است.

فراوانی حوزه‌های مبدأ استعاره‌های خشم

نمودار فراوانی مبدأ مشخص شده در ۳۴ عبارت استعاره در این بخش ارائه شده است.



نمودار فراوانی حوزه‌های مبدأ استعاره خشم در «شوهر آهو خانم»



نمودار فراوانی حوزه‌های مبدأ استعاره خشم در «هرگز رهایم مکن»
مقایسه حوزه‌های مبدأ خشم در زبان فارسی با حوزه‌های معرفی شده توسط
کوچش (استعاره مقدمه‌ای کاربردی: ۴۱-۴۶)

حوزه‌های متعارف مبدأ کوچش	حوزه‌های مبدأ فارسی
اعضای بدن	تغییر فیزیولوژیکی (تغییر حالت چهره - تغییر نوع نگاه - تغییر رنگ چهره)
سلامتی و بیماری	بیماری / جنون
حیوانات	رفتار حیوانی - موجود ماوراء طبیعی
گیاهان	
ساختمان‌ها و بناها	
ابزار و ماشین آلات	خرابی دستگاه
ورزش و بازی‌ها	جنگ
پول و معاملات اقتصادی	
آشپزی و غذا	ماده خوراکی (بد مزه)
گرما و سرما تاریکی و روشنایی	آتش و گرما
نیروها	خرابی و ویرانی - ماده درون ظرف مانع - بار - فشار
حرکت و جهت	حرکت نیمه دیگر

تحلیل داده‌ها

داده‌های تحلیل شده در پژوهش حاضر با هدف بررسی چگونگی بازنمود خشم در داستان «شوهر آهو خانم»/فغانی و «هرگز رهایم مکن»/یشی گورو گردآوری شد. به این منظور رمان‌های مذکور مطالعه شد و کلیدواژه‌های خشم جست‌وجو گردید. در نتیجه این جست‌وجو، قسمت‌هایی از داستان که در آن‌ها مفهوم خشم در قالب یک استعاره مفهومی قابل دریافت بود گردآوری شد. ۳۴ شاهد از رمان «شوهر آهو خانم» و ۲۷ شاهد از رمان «هرگز رهایم مکن» به دست آمد که از آن‌ها مفهوم خشم در قالب استعاره مفهومی دریافت می‌شد.

نتیجه بحث

این مقاله با هدف معرفی نگاشت‌های استعاری خشم در رمان «شوهر آهو خانم» اثر علی محمد افغانی و رمان «هرگز رهایم مکن» اثر کازوئو ایشی گورو نوشته شد. تحلیل معانی در حوزه عواطف در زمره جدیدترین پژوهش‌های زبان‌شناسی محسوب می‌شود زیرا با استفاده از این تحلیل‌ها می‌توان نگرش یک قوم یا جامعه زبان را در یک حوزه مفهومی دریافت. پس از ارائه پیشینه‌ای از مطالعات صورت گرفته در ارتباط با استعاره خشم، رویکرد لیکاف و کوچش و انواع تقسیم بندی استعاره‌ها توسط آن‌ها معرفی گردید. تحلیل داده‌ها در این بررسی انجام شد و به همین منظور حوزه‌های مبدأ بکاررفته در استعاره‌های خشم در دو رمان مشخص گردید.

در ادامه استعاره‌ها با توجه به سوی تمرکزشان در سه گروه جای گرفتند با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته بر روی داده‌ها نتایج زیر به دست آمد:

۱- بر اساس نمودار ۱ پربسامدترین حوزه‌های مبدأ استعاره خشم در رمان «شوهر آهو خانم» از این قرار است: خشم رفتار حیوانی است با بیش‌ترین میزان فراوانی و پس از آن خشم مایعی داغ در یک ظرف است و بعد از آن خشم تغییر فیزیولوژیکی است در جایگاه بعدی قرار می‌گیرند و پربسامدترین حوزه‌های مبدأ استعاره خشم در «هرگز رهایم مکن» از این قرار است: خشم تغییر فیزیولوژیکی است با بیش‌ترین فراوانی. پس از آن خشم دیوانگی است، بعد خشم رفتار حیوانی است، خشم مایع داغ است و نیز خشم آتش است با فراوانی برابر در جایگاه بعدی قرار می‌گیرند.

۲- هنگام تطبیق حوزه‌های مبدأ احساس در این رمان با حوزه‌های کوچش درمی‌یابیم که حوزه مبدأیی مثل موجود ماوراء طبیعی، ماده مخدر آلودگی جای مشخصی در این رمان‌ها ندارند.

۳- در تقسیم استعاره‌ها بر اساس سوی تمرکز، غالب استعاره‌های این دو رمان در گروه اول جای گرفتند. به عبارتی غالب استعاره‌های واکنش احساسی حاصل از بروز خشم مورد توجه بوده‌اند.

کتابنامه

کتب فارسی

افغانی، علی محمد. ۱۳۴۴ش، شوهر آهو خانم، چاپ سوم، تهران: نشر امیرکبیر.
ایشی گورو، کازوئو. ۱۳۹۵ش، هرگز رهایم مکن، ترجمه سهیل سمی، چاپ ششم، بی جا: شمشاد.
کوچش، زولتان. ۱۳۹۵ش، استعاره مقدمه‌ای کاربردی، ترجمه جهان‌شاه میرزا بیگی، تهران: نشر آگاه.
کوچش، زولتان. ۱۳۹۶ش، استعاره‌ها از کجا می آیند، ترجمه جهان‌شاه میرزا بیگی، تهران: نشر آگاه.
لیکاف، جرج و مارک جانسون. ۱۳۹۶ش، استعاره‌هایی که باور داریم، ترجمه راحله گندمکار، تهران: نشر علمی.

کتب لاتین

Darwin, ch. (1872). The expression of emotions in man and animals: london: john Murray.
Grady, J.E. (2007). Metaphor. In geeraerts, D. and Cuyckens, H. (eds), The oxford Hand book of cognitive linguistics (p.p.213-788). Oxford: Oxford university press.
King, B. (1989). The conceptual structure of emotional experience in Chinese. phd thesis.
Mikolajczuk, A. (1998). The metonymic and metaphorical conceptualization of anger in Polish. In A. Athouasiadon and E. Tabakowska (Eds) speaking of emotions.
Sweetser, Eve. (1990). From etymology to semantics, Cambridge: Cambridge university press.
Turner, Mark. (1987). Death Is the Mother of beauty. mind, metaphor, criticism. Chicago: The university of Chicago press.

مقالات

مقالات فارسی

افراشی، آریتا و تورج حسامی و کریستینا بئاتریس سالاس. ۱۳۹۱ش، «بررسی استعاره‌های جهت‌ی در زبان‌های اسپانیایی و فارسی»، مجله پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، دوره سوم، شماره ۴، صص ۱-۲۲.
افراشی، آریتا و محمد مهدی مقیمی. ۱۳۹۳ش، «استعاره‌های مفهومی در حوزه شرم با استناد به شواهدی از شعر کلاسیک فارسی»، زبان شناخت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره ۲، صص ۱-۲۰.
زوروز، مهدیس و آریتا افراشی و سید مصطفی عاصی. ۱۳۹۲ش، «استعاره‌های مفهومی شادی در زبان فارسی: یک تحلیل پیکره مدار»، مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، دانشگاه فردوسی مشهد، علمی- پژوهشی، شماره پیاپی ۹، صص ۴۹-۷۱.

ساسانی، فرهاد و معصومه ملکیان. ۱۳۹۳ش، «مفهوم سازی خشم در زبان فارسی»، نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی، سال ششم، شماره ۲، شماره ترتیبی ۱۱.
صراحی، محمدمین و محمد عموزاده. ۱۳۹۲ش، «بررسی مقایسه‌ای استعاره‌های خشم در زبان انگلیسی و فارسی»، نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، سال سوم، شماره ۶، صص ۳۹-۶۰.

مقالات لاتین

Kovecses, Z.(2008).The conceptual structure of happiness. In H.Tissari. A.Brigittapessi & M.Salmela(Eds). Happiness cognition, experience language (p.p131-143). Budapest: Eotvos lot and university.

Lakeoff, G & kovecses, Z.(1987).The cognitive model of anger inherent in American English. In D.Holland. & N.Quinn (Eds), Cultural models in Language and Thought (p.p.165-221).Newyork: Cambridge university press.

Matsuki,K.(1995).Metaphors of anger in Japansex. In Taylor.J.R.and R.Maclaury (Eds). Language and the cognitive construal of the world (p.p.137-151).Berlin: Dr Gruyter.

Steiner .J.E, al.(2001)Comparative expression of hedonic impact. Affective reactions to taste by human infants and other primates. Neuroscience and Bio behavioural Reviews,25:7,53-74 Anger is a hindrance.

Yu, N.(1995).Metaphorical expressions of anger and happiness in English and Chinese. Metaphor and Symbolic Activity,10(2),(59-92).